



نگاهی به کتاب

صوفیسم و تائوئیسم

○ دکتر علیرضا هدائی

○ صوفیسم و تائوئیسم

○ تو شیپیکو ایزوتسو،

ترجمه دکتر محمدجواد گوهری

○ انتشارات روزنه

○ تهران، ۱۳۷۸



ایزوتسو در مدخل کتاب، هدف اصلی خود را تلاشی برای مقایسه ساختاری میان جهان‌بینی تصوف آنگونه که ابن‌عربی عرضه می‌دارد و جهان‌بینی آیین تائو آنگونه که لائو - تزو و چانگ - تزو مطرح می‌سازند بیان می‌کند و بر این اساس کتاب خود را به طور کلی در سه بخش سامان می‌دهد. بخش اول کاملاً به بررسی جهان‌بینی ابن‌عربی اختصاص دارد، بخش دوم کاملاً مختص بررسی جهان‌بینی آیین تائو از منظر لائو - تزو و چانگ - تزو است، و بخش سوم به بررسی تطبیقی این دو دیدگاه می‌پردازد. ایزوتسو بر آن است که این دو جهان‌بینی هر دو مبتنی بر دو محور اصلی «مطلق» (the Absolute) و «انسان کامل» (the Perfect Man) اند و نظام کلی اندیشه هستی‌شناسانه‌شان در هر حال براساس این دوپایه اساسی شکل می‌گیرد. او که شیفتگی خویش نسبت به عظمت فکری ابن‌عربی را به صراحت و وضوح در قالب کلماتی زیبا به تصویر می‌کشد می‌گوید که گرچه ابن‌عربی از جنبه‌های متعددی همچون روانشناسی، معرفت‌شناسی، نمادگرایی و... برخوردار است، بی‌شک مفهوم «وجود» رکن اساسی تفکر فلسفی اوست و نظریه‌اش در این باب چنان با اهمیت و بدیع است که تحقیق مفصل جداگانه‌ای را می‌طلبد.

توشیهیکو ایزوتسو اثر ارزشمند، و البته نه نقد ناپذیر خود تحت عنوان تصوف و آیین تائو (Sufism and Taoism) با زیر عنوان بررسی تطبیقی مفاهیم کلیدی فلسفی (A Comparative Study of Key Philosophical Concepts) را در حدود سالهای ۶۶ - ۱۹۶۵ هنگامی که در مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا به تدریس فلسفه اسلامی اشتغال داشت به رشته تحریر درآورد. این کتاب نخستین بار در سالهای ۶۷ - ۱۹۶۶ در دو جلد تحت عنوان بررسی تطبیقی مفاهیم کلیدی در تصوف و آیین تائو (A Comparative Study of Key Philosophical Concepts in Sufism and Taoism) با زیر عنوان ابن‌عربی و لائوتزو - چانگ تزو از سوی انتشارات مؤسسه مطالعات فرهنگی و زبان‌شناسی دانشگاه کیو توکیو (Institute of Cultural and Linguistic Studies, Keio University, Tokyo) به چاپ رسید. آنگاه پس از یک بازبینی کامل، در سال ۱۹۸۳ در یک مجلد (و ۴۹۳ ص) با عنوان کنونی‌اش از سوی انتشارات ایوانامی شوتن (Iwanami Shoten) توکیو منتشر شد و سال بعد انتشارات دانشگاه کالیفرنیا با هماهنگی با انتشارات ژاپنی به چاپ مجدد آن دست زد.





آنگاه تأکید می‌کند که چون برای این بررسی تطبیقی پرداختن به کتابهای بسیار زیاد این عربی موجب فرو رفتن در اقیانوس پهناور اصطلاحات، انگاره‌ها، نهادهای خاص او و در نتیجه گم کردن مسیر درست تحقیق می‌شود، در کتاب خویش جز در مواردی معدود صرفاً بر کتاب فصوص‌الحکم این عربی که تنها ده سال پیش از درگذشت او نوشته شده و از هنگام نوشته شدن تاکنون به شکلهای متفاوت مورد بررسی افراد مختلف قرار گرفته است تکیه خواهد کرد. ایزوتسو درخصوص لائو - تزو و چانگ - تزو بر این نکته جالب انگشت می‌گذارد که این دو فرد نمایانگر نقطه‌ای از یک سنت روحانی‌اند که با وجود برخورداری از برخی شباهتهای چشمگیر با مفهوم «وجود» این عربی، از حیث تاریخی کاملاً با تصوف متفاوت است.

بخش دوم از دوازده فصل بدین شرح تشکیل شده است: لائو - تزو و چانگ - تزو؛ از اسطوره‌سازی تا ماوراءالطبیعه؛ رؤیا و واقعیت؛ وراى این و آن؛ تولد خودی جدید؛ بر ضد ذاتگرایی؛ طریق؛ دروازه شگفتیهای بیشمار؛ جبر و آزادی؛ ضد مطلق ارزشها؛ انسان کامل؛ حیوان سیاسی. و سرانجام بخش سوم را این پنج فصل شکل می‌دهند. مقدمات روش‌شناسانه؛ تطور درونی انسان؛ ساختار چندلایه شده واقعیت؛ ماهیت و وجود؛ خود - تکاملی بودن وجود.

ترجمه فارسی کتاب علی‌رغم اینکه در نگاه اول خوب به نظر می‌رسد، وقتی آن را با اصل انگلیسی کتاب مقایسه کنیم مشحون از اشتباه و بی‌دقتی است. پیش از آنکه به گونه‌ای دسته‌بندی شده این موارد را برشمَریم به دو نکته اشاره می‌کنیم. یکی اینکه مترجم زیر عنوان کتاب را

به هر روی، از آنجا که هدف این نوشتار بررسی ترجمه فارسی این کتاب و نه اصل آن است در اینجا تنها به ذکر فهرست کلی فصلهای کتاب اکتفا می‌کنیم. بخش اول کتاب دارای هفده فصل بدین ترتیب است: رؤیا و واقعیت؛ مطلق در اطلاق خویش؛ خودشناسی انسان؛ وحدت ماوراءالطبیعی و کثرت

مطلق در اطلاق خویش؛ خودشناسی انسان؛ وحدت ماوراءالطبیعی و کثرت

مطلق در اطلاق خویش؛ خودشناسی انسان؛ وحدت ماوراءالطبیعی و کثرت



اصلاً ترجمه نکرده؛ و دیگر اینکه در متن اصلی کتاب ابتدا درآمد (Introduction) و آنگاه پیشگفتار (Preface) آمده، ولی در ترجمه فارسی ابتدا «پیشگفتار» که تلفیقی از ۶ بند اول پیشگفتار انگلیسی و بند آخر درآمد آن است و آنگاه «مقدمه» که تلفیقی از ۴ بند اول درآمد انگلیسی و بقیه بندهای پیشگفتار است آمده، و صرف نظر از عدم تفاوت معنایی میان مقدمه و پیشگفتار بر ما معلوم نشد که مترجم چرا چنین تغییری در ساختار کتاب داده است.

اشتباهات موجود در ترجمه را می‌توان بدین گونه دسته‌بندی کرد (این موارد بسیار اندک از اشتباهات بیشمار موجود در ترجمه، صرفاً به گونه‌ی گزینش تصادفی و تنها در یک بررسی سریع و اجمالی گزیده شده‌اند و در نقل آنها هیچ‌گونه تصرفی در رسم‌الخط و نشانه‌های سجاوندی نشده است):

الف: ترجمه‌های نادرست یا فاقد دقت. با توجه به اینکه کتاب مورد بحث کتابی فنی و دقیق است باید تمامی جملات با دقتی درخور ترجمه شوند، اما کمتر صفحه‌ای از کتاب را می‌توان یافت که خالی از نادرستی، ضعف، یا بی‌دقتی ترجمه باشد. نادرستی ترجمه حتی در جملات ساده و غیر فنی مقدمه کتاب نیز به چشم می‌خورد. بنگرید: الف. ۱. ص ۱۸، س ۱: «قرار آن بود که پس از چاپ در انگلستان، کتاب برای اواخر سال ۱۹۷۸ به تهران برسد...»
- متن کتاب:

Printed in England, it had been scheduled to come out in Tehran towards the end of the year ۱۹۷۸... (P.۱)

ترجمه صحیح: بنا داشتیم کتاب که در انگلستان حروف چینی شده بود تا پایان سال ۱۹۷۸ در تهران به بازار عرضه شود.

الف. ۲. ص ۳۵، س ۶-۷: «خواب حضرت خیال است ولی او آن را تعبیر نکرد. قوچی در خواب به صورت پسر ابراهیم ظاهر شده بود. ابراهیم رؤیای خود را صادق دانست. لیکن خدای تعالی با فرو فرستادن یک قربانی بزرگ پسر ابراهیم را معاف داشت.»
- متن کتاب:

Dream, in truth, is a matter, pertaining to the Plane of Imagination. He, however, did not interpret (his dream). What he saw in the dream was a ram assuming the form of the son of Abraham. And Abraham supposed his vision to be literally true (and was about to sacrifice Isaac). But the Lord redeemed him from the illusion of Abraham with the Great Sacrifice (i.e. the sacrifice of a ram). (P.۱۴)

ترجمه صحیح: «رؤیا در حقیقت امری مربوط به حضرت خیال است. با این حال ابراهیم (رؤیای خویش را) تعبیر نکرد. آنچه ابراهیم در رؤیا دید قوچی بود که شکل پسر او را می‌نمود. ابراهیم مشاهده خویش را حقیقتاً

صادق پنداشت (و نزدیک بود اسحاق را قربانی کند) اما پروردگار او را با ذبح عظیم (یعنی قربانی کردن یک قوچ) از وهم ابراهیم بازخرید.»
الف. ۳. ص ۳۸، سس ۲۶-۲۷: «ها شاکردی داشتیم که این کشف برای او حاصل شده بود لیکن نتوانست ساکت بماند و این دلیل عدم تحقق حیوانیت او در او بود. و هنگامی که الله مرا در این مقام جای داد حیوانیت من تحقق کامل یافت.»
- متن کتاب:

Once I had a disciple who attained to this Kind of unveiling'. However, he did not Keep silent about his (experience) This shows that he did not realize his animality (in perfect manner). When God made me stand at that stage, I realized my animality completely. (P. ۱۷)

ترجمه صحیح: «زمانی مریدی داشتیم که به این گونه «کشف» رسیده بود، با این حال درباره تجربه خویش ساکت نماند و این نشان می‌دهد که حیوانیت خویش را (به طور کامل) دریافته بود. وقتی خداوند مرا در این منزل مقام داد، حیوانیت خویش را به طور کامل دریافتم.»
الف. ۴. ص ۳۹، ص ۱۵-۱۸: «چنین انسانی خود را به مرحله عقل مجرد بودن، بدون ماده طبیعی منتقل کرده است. لذا او اموری را شهود می‌کند که اصول آن چیزهایی هستند که در صورتهای طبیعی ظاهر می‌شود، و او از اینجا به واسطه علم ذوقی، خواهد دانست که این حکم از کجا در صورتهای طبیعت ظهور یافته است.»
- متن کتاب:

(Such a man) has transformed himself into a pure Intellect away from all natural material elements. He witnesses things that are the very sources of what appears in the natural forms. And he comes to know by a sort of intuitive knowledge why and how the things of nature are just as they are. (P.۱۸)

- ترجمه صحیح: «(چنین انسانی) خود را به عقلی محض دور از تمامی عناصر مادی متبدل ساخته است. او شاهد چیزهایی است که سرچشمه‌های آن چیزهايند که در صور طبیعی ظهور می‌یابند، و با گونه‌ای علم شهودی خواهد دانست که چرا و چگونه اشیاء موجود در طبیعت درست همان‌اند که هستند.»

الف. ۵. ص ۵۳، سس ۱۷-۱۹: «برخلاف پاسخ اول که چنین بافتی دارد، پاسخ دوم با این جمله شرطی به پایان رسیده است که: «اگر می‌فهمیدید، یا به عبارت دقیق‌تر اگر می‌دانستید که چگونه از عقل خود بهره گیرید.»
- متن کتاب:

In contrast to the first answer which is of such a nature, the second one is qualified by a different



conditional clause: if you have understanding', or more precisely if you know how to exercise your reason. (P.۳۱)

- ترجمه صحیح: «در برابر پاسخ نخست که دارای چنین ماهیتی است، پاسخ دوم با یک عبارت شرطی متفاوت وصف شده است: «اگر فهم دارید، یا دقیقتر: «اگر بدانید چگونه فهم خویش را به کار گیرید.»

در همین خصوص به ۳ مورد مهم و آشکار دیگر نیز می‌توان اشاره کرد. یکی ترجمه ناقص یا غلط عناوین فصلهای کتاب است (که با مقایسه‌ای اجمالی میان آنچه ما در این مقاله آورده‌ایم و فهرست ترجمه فارسی به وضوح به چشم می‌خورد و ما به منظور اجتناب از اطناب بدان نپرداخته تنها به ترجمه Homo Politicus به معنای «حیوان سیاسی» به «سیاست تجانس»! اشاره می‌کنیم)، دیگر ترجمه غلط یا دیگرگون برخی از اصطلاحات که حاکی از ناآشنایی مترجم با دانش عرفان نظری است که بخش اول کتاب پیرامون قسمتهایی عمده از مباحث آن دور می‌زند (مثلاً ترجمه microcosom و macrocosom که اصطلاحاً «عالم‌کبیر» و «عالم‌صغیر» خوانده می‌شوند به «جهان بزرگ» و «جهان کوچک»؛ یا خلط واحد با احد، تجلی ذاتی با تجلی ذات، وحدت با اتحاد، یا نوشتن فتوحات مکه (ص ۵۶، س آخر)، به جای نام کتاب الفتوحات المکیه و.... دیگر موارد که اندک نیز نیستند) و سوم ترجمه نادرست بسیاری از تک واژه‌های انگلیسی (صرف‌نظر از درستی یا نادرستی جملات ترجمه شده).

ب. جملات و ترکیبهای فارسی غلط، نامفهوم، یا عجیب و غریب. جملات یا ترکیبهای زیر صرف‌نظر از اینکه با متن انگلیسی مطابقت دارند و به درستی ترجمه شده‌اند یا نه، از حیث فارسی دچار مشکل و اختلالند. بنگرید: ب ۱۰. غلط، ص ۴۸ س ۸: «آن (وجود صرف) نه نعتی دارد، نه اسمی، نه رسمی و نه کثرت به هیچ وجه در آن راه ندارد.» به کارگیری نادرست «فراز» به جای «عبارت» (مثلاً: ص ۴۹، س ۲۳)، «نقطه‌نظر» به جای «دیدگاه» (ص ۴۷، س ۱۲)، و... نیز در جای جای کتاب به چشم می‌خورد (در این خصوص بنگرید به: غلط نویسیم، ابوالحسن نجفی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران). ب. ۲. نامفهوم. ص ۴۷ س ۱۷: «لیکن به لحاظ فلسفی تنها یک چیز وجود دارد که می‌توان آن را به حق در این مراتب مسند داشت.» یا ص ۵۶، سس ۱۱ - ۱۳: «این مشابه هنگامی است که انسانی خود را در دنیای بیرون درآینه می‌بیند. هنگامی که شما به صورتها یا صورت خودتان درآینه می‌نگرید تنها آینه را نمی‌بینید، گرچه می‌دانید که این صورتها یا صورت خود را تنها در آینه مشاهده می‌کنید.»

ب. ۳. عجیب و غریب. ص ۱۸، س ۱۴: «خوشوقخانه احساس مسئولیت می‌گم که تشکر عمیق خود را از انتشارات ایوانامی شوتن برای چاپ این کتاب ابراز دارم.» در ترجمه:

It is my Pleasant duty to express my deep gratitude to ... for having undertaken the publication of this book.

ص ۴۶، س ۲۲: «من او را از خلال او نظر کردم ص ۵۲، س ۴: «به تعبیر عام‌تر، چنانکه کاشانی ملاحظه می‌کند چیزی وجود ندارد....»

از همین مقوله است ترجمه according to Ibn Arabi به «برحسب ابن عربی»، school به «مدرسه» (ص ۱۳، س ۱۳)، و به کار بردن کلماتی همچون محدث‌دارنده (ص ۴۵، س ۲)، هر آینه (ص ۵۷، س ۹)، و.... شاید بتوان استعمال همیشگی واژه «آن» در ترجمه «it» در ابتدای جملات انگلیسی را نیز از همین دست برشمرد. (در بسیاری از موارد، هنگام ترجمه فارسی چنین جملاتی باید it را حذف یا مرجع آن را ذکر کرد تا جمله فارسی روان، مفهومی، و زیبا شود.)

ج - نقل یا ترجمه غلط آیات قرآن. به عنوان نمونه بنگرید به ص ۳۵ س ۵ «و انی اری فی المنام انی اذبحک» که در قرآن «و» در ابتدای آیه نیست)، و ص ۸۳ س ۲۰ «بگو او را بالله بخوانید یا با رحمن بخوانید...» که ترجمه درست آن این است: «بگو الله را بخوانید یا رحمن را بخوانید...».

د - استفاده نکردن از نشانه‌های سجاوندی (مخصوصاً کاما). در بسیاری از موارد که موجب اشکال در فهم عبارات خودبه‌خود مغلق و نامفهوم کتاب می‌شود، یا استفاده نادرست از آنها (مثل استفاده مکرر و کاملاً نابجا از نقطه به جای کاما).

هـ. برگرداندن نادرست اصطلاحات و اسامی چینی. این امر به وضوح در اغلب این موارد به چشم می‌خورد که از آن میان تنها به برگرداندن ring (ch'eng Hsuan (p. ۴۲۷, L. ۳۱) به چینگ شوان (ص ۴۵۸، س ۸) اشاره می‌کنیم. در این خصوص لازم بود مترجم براساس معیارهای دائرةالمعارف بریتانیکا که خلاصه آن در این کتاب ارزشمند آماده است: ادیب سلطانی، دکتر میر شمس‌الدین، راهنمای آماده ساختن کتاب، ویراست دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴، صص ۲۷۳ - ۲۷۸ عمل کند.

به هر حال، امید آن داریم که از این پس تنها ترجمه‌هایی استوار از کتابهایی چنین ارزشمند در بازار کتاب ببینیم.